



نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_ موضوع: \_\_\_\_\_ هدف: \_\_\_\_\_

جاهای خالی را با تصویر مناسب کامل کن.

ما در هوای سرد ..... می پوشیم.

ماشین پلیس ..... می کشد.

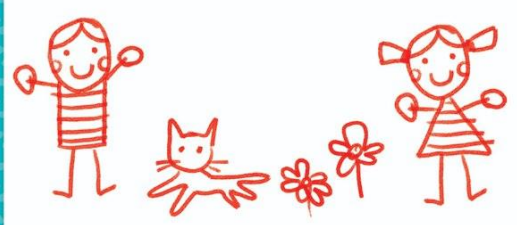
من با ..... رنگ آمیزی می کنم.

مرتب کن.

ژاله - زمستان - می پوشد - در - ژاکت

پژمرده - می شوند - آب - اگر - به - گل ها - نرسد

۳








نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_

تاریخ: \_\_\_\_\_


موضوع: \_\_\_\_\_

هدف: \_\_\_\_\_

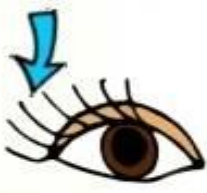
نام تصاویر را بنویس .



\_\_\_\_\_




\_\_\_\_\_




\_\_\_\_\_


برای هر مورد خواسته شده یک کلمه بنویس که صدای ژ داشته باشد.



\_\_\_\_\_




\_\_\_\_\_



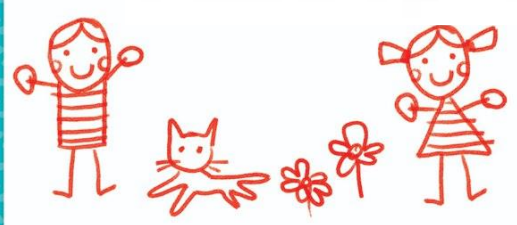
\_\_\_\_\_

برای تصویر زیر یک جمله بنویس.



\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_







نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_ موضوع: \_\_\_\_\_ هدف: \_\_\_\_\_

نام تصاویر را بنویس .






با مداد قرمز برای نشانه های ( ز ژ ) در متن زیر نقطه بگذار.

امروز فرراد رود آر مدرسه برگشته بود. او وقتی وارد خانه شد دید گل ها پژمرده بودند. او تاره فهمید که چند روری است که به گل ها آب نداده است.



او رود به گل ها آب داد.

گل ها ریبا و شاداب شدند.

او دفتر و ماریک خود را برداشت و در دفترش یک گل ریبا و قرمر کشید. و برگ های آن را سبر کرد و در کنارش نوشت: «اگر به گل ها آب نرسد پژمرده می شوند.»

۵







نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_ موضوع: \_\_\_\_\_ هدف: \_\_\_\_\_

جدول شاکتی

جواب ها را به صورت صداهای جدا از هم بنویس.

۱- حرکات هماهنگ سربازان که در هنگام حرکت در چند صف پشت سر هم انجام می دهند.

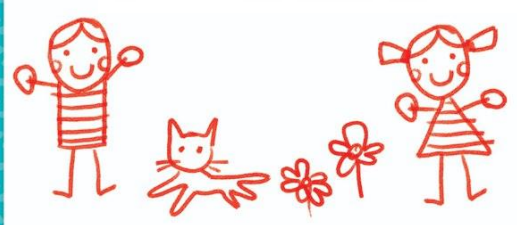
۲- وقتی به گل ها آب نرسد چه می شوند؟

۳- تصویر این جدول ۴- به صدای ماشین پلیس یا آتش نشانی می گویند.

۵- به موهای روی پلک می گویند.

۶-

۶







داستان زیر را به کمک بزرگ ترها روخوانی کن.



زمستان است و هوا سرد شده است. دیروز برف سنگینی آمده بود و همه جا سفید پوش شده است.

ژاله و دوستش مژگان به بازار رفته بودند تا ژاکت و ماژیک بخرند. آنان به پاساژ پردیس رفته آمد.



در راه یک ماشین ژیان را دیدند که با یک ماشین پژو برخورد کرد.

مردم به سوی این دو ماشین دویدند. یکی از راننده ها خیلی آسیب دیده بود.

ژاله او را شناخت. او آقا بیژن همسایه ی آن ها بود.

مردم فوری با اورژانس تماس گرفتند و ماشین آمبولانس به زودی رسید. دست آقا بیژن را با پماد ماساژ دادند و آن را بستند. ماشین آمبولانس آژیر می کشید.

وقتی ژاله به خانه برگشت ماجرا را به پدر و مادرش بازگو کرد.







موضوع:

تاریخ

نام و نام خانوادگی

هدف:

فردای آن روز پدر ژاله ماشین را از گاراژ بیرون آورد و همه برای ملاقات آقا بیژن به بیمارستان رفتند. آنان یک دسته ی گل زیبا خریده بودند. ژاله هم مقداری ژله برای آقا بیژن درست کرده بود. آقا بیژن از دیدن آنان بسیار شاد شد. ژیلا خانم همسر آقا بیژن هم آن جا بود. او خیلی نگران بود. آقای دکتر آمد و به آنان یک مُرده داد. او گفت: «آقا بیژن به زودی خوب می شود و می تواند به خانه برگردد.» چون آقا بیژن ورزش کار بود و زود خوب شد. او ورزش ژیمناستیک انجام می دهد.



منبع: کتاب داستان های روان خوانی ویژه ی اول دبستان





نام و نام خانوادگی

تاریخ

موضوع:

هدف:

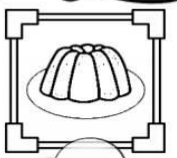
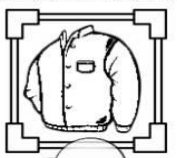
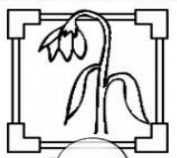
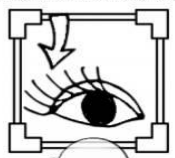
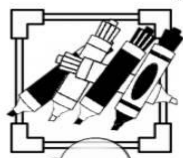
### پیکر نشانه ها

به نام فدای  
دائمی ها

نام زیبایی من : .....

تاریخ : .....

نام هر تصویر را بنویس.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

صداهای هر کلمه را جدا جدا بنویس.

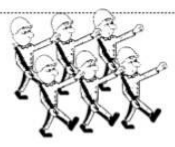
آثیر

ژله

ژولیده

ژیلا

برای هر تصویر زیر یک جمله بساز.



.....  
.....

.....  
.....

جمله های زیر را بخوان و برای جمله ی درست (😊) را رنگ کن و برای جمله ی نادرست (☹️) را رنگ بزن.

- ۱ در شالیزار برنج می کارند. (😊) (☹️)
- ۲ مرده از گل فروشی گل می خرد. (😊) (☹️)
- ۳ من شوفاژ را روشن می کند. (😊) (☹️)
- ۴ ژاله به گل پژمرده آب داد. (😊) (☹️)





نام و نام خانوادگی

تاریخ

موضوع:

هدف:

با وجه به متن زیر برای «ز» و «ژ» نقطه گذاری کن.

مریم یک ماشین پرو دارد.  
پدر رری در آرانس کار می کند.  
مادرم ار بارار یک بسته ماریک خرید.  
راله و منیره آموزگار خود را دوست دارند.

جاهای خالی را با کلمه ی مناسب کامل کن.

پشمرده  
ماژیک  
ژاکت

۱ گل ها ..... بودند.

۲ مهتاب در هوای سرد ..... می پوشد.

۳ بیژن با ..... بیک نشانه های خود را رنگ آمیزی می کند.

برای هر مورد کلمه ای بنویس که نشانه ی «ژ» داشته باشد.

نام دختر  
.....

نام پسر  
.....

نام ماشین  
.....

مرتب کن.

دارد - آیا - ژاکت - پژمان - ؟ - آبی

سربازان - می روند - رژه

شکل سازی با نشانه ی جدید. (تو هم در دفترت بساز)



نظر آموزگار:

جمع امتیاز



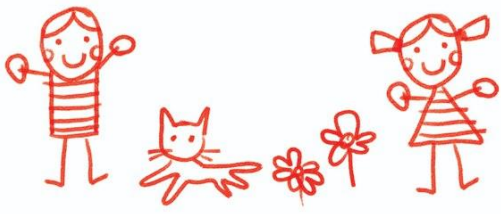
ضعیف



متوسط



عالی





نام و نام خانوادگی

تاریخ

موضوع:

هدف:

به کمک تصاویر کلمات را بخوان.




خوانا



استخوان



خواب



خواهر



تخت خواب



خواندن

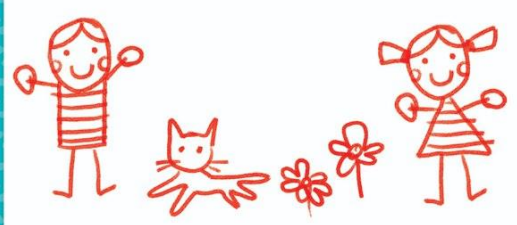
کلمه ی مناسب انتخاب کن و بنویس.



پدرم هر روز قرآن ..... (می خوانم - می خواند)

ژاله و آزاده با هم ..... هستند. (خواهر - برادر)

من در مدرسه درس ..... (می خوانیم - می خوانم)







نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_ موضوع: \_\_\_\_\_ هدف: \_\_\_\_\_

با کلمات داده شده جاهای خالی را پر کن.

مَن قبل از ..... به پدر و مادرم شَب به خواهر خیر می گویم.

مَنیژه شب ها زود ..... خواب می خوابد.

ژاله ..... مَجید است.

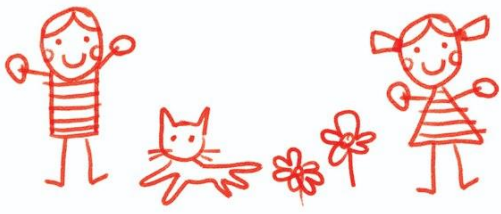
من از دوستم ..... گَرَدَم تا با هم خواهش بازی کنیم.

برای هر کدام دو کلمه بنویس.

خا

خوا

۳







نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_

موضوع: \_\_\_\_\_ هدف: \_\_\_\_\_

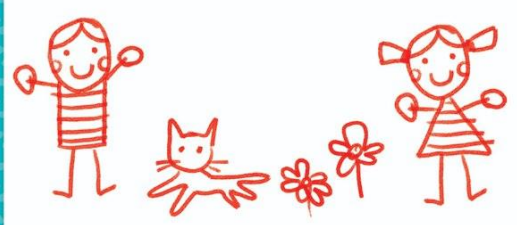
با هر دو کلمه یک جمله بنویس.

خواهر  
ژاکت  
می خواند  
ژاله

اول کلمات را بخوان و بعد با خط کش به تصویر مناسب وصل کن.

خواب  
گوشت خوار  
تخت خواب  
گیاه خوار  
استخوان

۴







نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_

موضوع: \_\_\_\_\_ هدف: \_\_\_\_\_

کلمات زیر را بر اساس نشانه ی ( و ) دسته بندی کن.

خورشید - هوا - چوپان - گوسفند - آواز - خود - خواهش -  
 خواهید - گوزن - جوجه - روشن - می خواهد

۵







نام و نام خانوادگی

تاریخ

موضوع:

هدف:

جدول

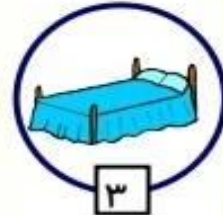
جواب ها را به صورت صداهای جدا از هم بنویس.



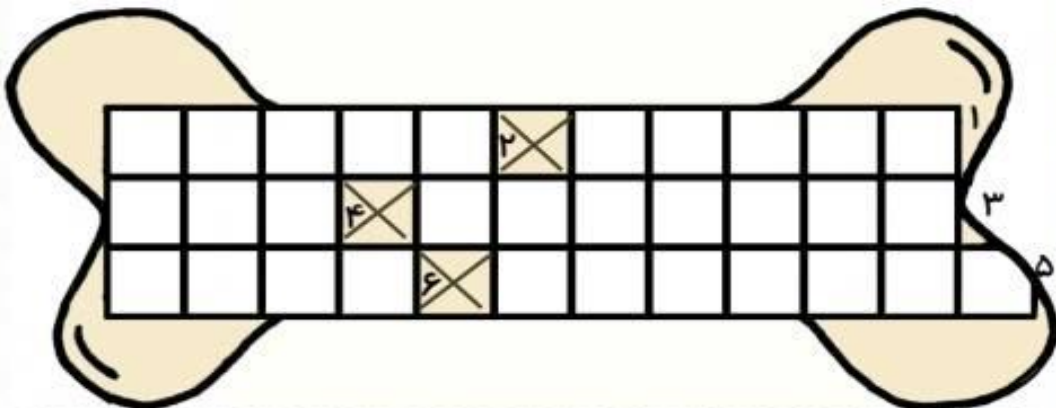
استخوانی

۱- به معنی التماس کردن هم می باشد. ۲- به آن آبی هم می گویند.

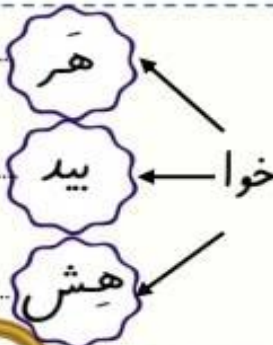
۵- تصویر این جدول.



۶- روزها وقت کار و تلاش و شبها وقت استراحت و ..... است.



ترکیب کن و بخوان.



۶









نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_ موضوع: \_\_\_\_\_ هدف: \_\_\_\_\_

این پل تاریخی در اصفهان است. تحقیق و نام آن را بنویس.



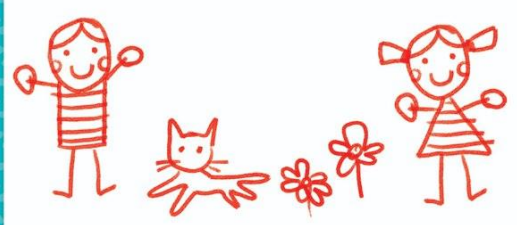
داستان زیر را بخوان و زیر کلماتی که اشتباه هستند خط بکش و درست آن ها را بر روی خط زمینه ی زیر بنویس.

من از خواهرم ژاله خاهش کردم تا برایم داستان بخواند. او داستانی از شاهنامه برایم خواند. او داستانی بسیار شیرین و آموزنده خاند.



خاهرم می گوید: « فردوسی کتاب شاهنامه را نوشته است. او سی سال تلاش کرد تا کتاب شاهنامه را نوشت. ما در شاهنامه ، داستان های زیادی درباره ی ایران و پهلوانان می خوانیم.»

۷







نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_ موضوع: \_\_\_\_\_ هدف: \_\_\_\_\_

با توجه به تصویر داده شده جمله ها را کامل کن.



من کتاب ..... ما کتاب .....

تو کتاب ..... شما کتاب .....

او کتاب ..... آن ها کتاب .....

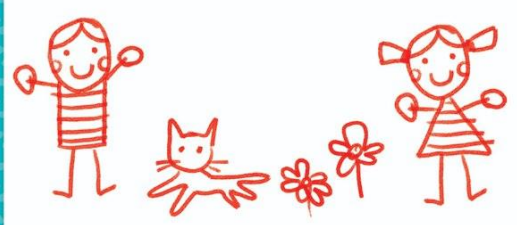
  


من شب ها زود ..... شب ها زود می خوابیم.

تو شب ها زود ..... شما شب ها زود .....

شب ها زود می خوابد. ..... آن ها شب ها زود .....

۸







نام و نام خانوادگی

تاریخ

موضوع:

هدف:

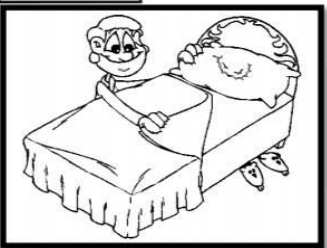
به نام خدای خوبی ها

نام زیبای من: \_\_\_\_\_

تاریخ: \_\_\_\_\_

درس (خوا استثنا)

۱. تصویر زیر را رنگ بزن و برای آن دو جمله بنویس.



۲. در متن زیر دور کلمه هایی که (خوا استثنا) دارند، خط قرمز بکش.

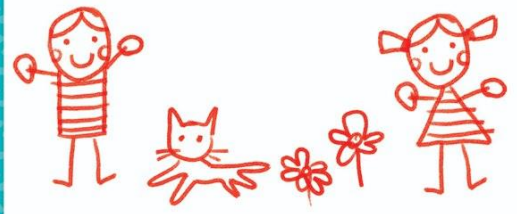
روزی موشی مشغول کندن زمین بود. خارپشتی در آن نزدیکی ها خواب بود. از سر و صدای موش بیدار شد و از او خواست که آهسته تر کار کند. موش به خواهش او توجه نکرد تا این که ناگهان زیر پایش خالی شد و توی سوراخ افتاد و یک پایش شکست. خار پشت فوری خواهرش را صدا کرد و با کمک او، موش را از سوراخ بیرون آورد و پایش را با یک تکه استخوان بست. موش از کار خود خیلی خجالت کشید و از خارپشت عذر خواهی کرد.

۱- نام چه جانورانی در داستان آمده بود؟ \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_

۲- یک نام زیبا برای داستان بنویس. \_\_\_\_\_

۳. شش کلمه پیدا کن که (خوا استثنا) داشته باشد و آن ها را در جدول بنویس.

_____	_____	_____	_____	_____	_____
-------	-------	-------	-------	-------	-------





نام و نام خانوادگی

تاریخ

موضوع:

هدف:

۴. با توجه به کلمه ی اول، جاهای خالی را کامل کن.




۵. جمله های زیر را بخوان و جاهای خالی را با کلمه های مناسب داخل پرانتز، کامل کن.

به ----- مادر خاله می گوئیم. ( خواهر - مادر )

من از مادرم ----- کردم برای من کتاب بخواند. ( خارش - خواهش )

اسکلتِ انسان از ----- درست شده است. ( گوشت - استخوان )

کتاب ----- به ما چیزهای زیادی یاد می دهد. ( خواندن - خوردن )

ما دیروز ----- به خانه ی پدر بزرگ برویم. ( می خواستم - می خواستیم )

من همیشه در تخت ----- خودم می خوابم. ( خواب - خوابیدن )

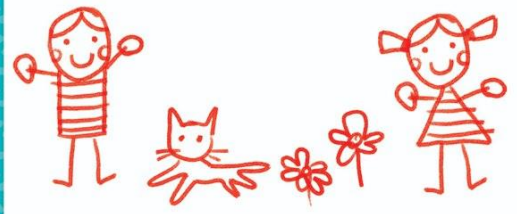
آزاده ----- در آینده پرستار شود. ( می خواهد - می خواند )

یه خودت امتیاز بده



پاژخورد آموزگار:

زمان انجام تکلیف و ارزیابی اولیا:







نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_ موضوع: \_\_\_\_\_ هدف: \_\_\_\_\_



پدر بیژن و منیژه آتش نشان است .

وقتی جایی آتش می گیرد ، او سوار ماشین می شود و آژیرکشان ، برای خاموش کردن آتش می رود .

بیژن و منیژه امروز برای پدر قبرمان خود ، جشن گرفته اند .

مادر آنان ، ژاله خانم ، ژله ی پرتقال و هَلو درست کرده است .

منیژه و بیژن برای پدر یک دسته گل تازه خریده اند . زیرا پدر گل پژمرده دوست ندارد .

آن ها با ماژیک ، یک نامه ی زیبا هم برای پدر نوشته اند .

مادر هم یک ژاکت سُرْمه ای بافته است .

پدر برای داشتن چنین خانواده ی خوبی ، خدا را شکر می کند .



ژیان - مژگان - پاساژ - شوفرژ  
ژاپن مژده - ژیلا

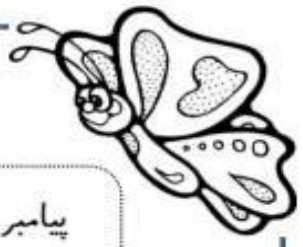






نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_ موضوع: \_\_\_\_\_ هدف: \_\_\_\_\_

خوا



پیامبر ما فرموده اند : با خواندن قرآن ، خانه های خود را نورانی کنید .

زهره خواهر مهدی است . او دختر زرنگ و درس خوانی است .  
 زهره هر شب ، قبل از خوابیدن ، برای برادرش کتاب می خواند .  
 دیشب زهره کنار تخت خواب برادرش نشست و از او خواست تا  
 یک کتاب داستان بیاورد .  
 مهدی کتاب " داستان های شاهنامه " را از کتاب خانه آورد .  
 زهره می خواهد در آینده یک نویسنده شود .  
 پدر آن ها هر شب قرآن می خواند .  
 زهره و مهدی قرآن خواندن پدر را بسیار دوست دارند .  
 زهره از پدر خواهش کرد تا به آن ها هم قرآن یاد دهد .



بخوانیم - خوابیده - می خواهم  
 می خوابد - بخوان

